

## سخن سردبیر

مُد‌های مدیریتی، مفاهیم مدیریتی هستند که با سرعت به نسبت آرام سهم بزرگی در گفتمان عمومی مدیریت به دست می‌آورند. هر چند مُد‌های مدیریتی زودگذر هستند و توان برآورده‌سازی انتظاراتی را که ایجاد می‌کنند ندارند، ولی ممکن است اثرهای عمیقی بر سازمان‌ها بگذارند. امروزه، حاکمیت<sup>۱</sup> را می‌توان نوعی مُد مدیریتی به‌شمار آورد. مقاله‌ها و کتاب‌های زیادی با رویکرد حاکمیتی نوشته می‌شوند. هر چند اندیشمندانی مانند کایر<sup>۲</sup> (۲۰۰۴)، تلاش می‌کنند حاکمیت را در مفهوم کلی «الگوی وضع، کاربرد، و اعمال قواعد تعریف کنند»، ولی دیگران بیش‌تر قصد دارند آن را در مفاهیم دیگری بسط دهند که خود به یک مسئله در مفاهیم حاکمیت در میان اندیشمندان علوم اداری، علوم سیاسی، حقوق و دیگر رشته‌های مرتبط تبدیل شده است، تا جایی که حتی در مورد معادل فارسی Governance اختلاف نظر قابل توجهی وجود دارد. برای مثال، حاکمیت، حکمرانی، حکمروایی، و نظام تدبیر معادل‌هایی هستند که نویسندگان، سیاستمداران، و مدیران در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود بکار می‌گیرند.

گذشته از این، بررسی وجوه و ابعاد مختلف حاکمیت بخش قابل توجهی از ادبیات نظری را به خود اختصاص می‌دهد. برخی اندیشمندان با تمرکز بر تعالی حاکمیتی سعی دارند حاکمیت متعالی<sup>۳</sup> را در پرتو ویژگی‌هایی چون شفافیت، پاسخگویی، و مشارکت تعریف کنند (Lyon, 2000). برخی دیگر اما با تمرکز بر سبک‌های حاکمیتی، سلسله‌مراتبی، بازارگون، و شبکه‌ای انتخاب معیارهای مناسب را شناسایی می‌کنند (Koch & Dixon, 2007). تعیین بازیگران حاکمیتی از دیگر تلاش‌های پژوهشی است که بر تعریف نقش بازیگران بخش‌های دولتی، خصوصی، رسانه‌ها، نظامیان، و جامعه مدنی تاکید دارد (Jones et al., 1997). البته متناسب با سطح حاکمیتی، نقش این بازیگران نیز تغییر پیدا می‌کند. استوکر<sup>۴</sup> (۱۹۹۸)، معتقد است در سطح حاکمیت شهری و در برخی کشورها، بازیگران چهارگانه وجود دارند: ۱. حکومت محلی؛ ۲. جامعه مدنی؛ ۳. بخش خصوصی؛ و ۴. نظامیان، و در دیگر کشورها ممکن است به‌جای نظامیان، رسانه‌ها به بازیگر کلیدی تبدیل شوند.

باید در نظر داشت که حاکمیت به چیزی وسیع‌تر از دولت دلالت دارد و چگونگی راهبری و قواعد بازی را مشخص می‌کند. بنابراین، حاکمیت در سطوح مختلفی مانند حاکمیت سازمانی/شرکتی، حاکمیت شهری، حاکمیت محلی، حاکمیت ملی، و حاکمیت بین‌المللی بکار گرفته می‌شود. پژوهش‌های صورت‌گرفته در سطح حاکمیت شرکتی از غنای بیش‌تری برخوردارند. جنبه‌های کلیدی حاکمیت شرکتی شامل شفافیت ساختار و عملیات سازمان، پاسخگویی مدیران در برابر ذی‌نفعان، و مسئولیت سازمان نسبت به کارکنان، عرضه‌کنندگان، بستانکاران، و جوامع محلی در حوزه فعالیت شرکت‌هاست.

موضوع حاکمیت جهانی ناظر بر روابط بین‌المللی است. به اختصار می‌توان گفت حاکمیت جهانی ناظر بر چگونگی سازگاری با مسائل فراقشوری (مانند آلودگی هوا و کودکان کارگر) است؛ با این فرض که دولت جهانی وجود ندارد. امروزه شاهد ظهور جامعه مدنی جهانی هستیم و تعداد زیادی نظام قواعد متفاوت با ویژگی‌های فراملی و حاکمیت بدون حکومت در حال شکل‌گیری است (Rosenau & Czempiel, 2009). واکنش به جهانی شدن و چگونگی آن، موضوع حاکمیت است. موضوع حاکمیت جهانی، شکل‌گیری موسسه‌های جهانی و تغییرهای ناشی از جهانی شدن است.

کیزر و استروم (۱۹۸۲)، در تبیین چارچوب نهادی به سه لایه از تصمیم‌گیری به هم مرتبط اما متمایز اشاره می‌کنند که شامل انتخاب نهادی، انتخاب جمعی، و تصمیم‌های عملیاتی است. هیل و هیوپ<sup>۵</sup> (۲۰۰۶)، معتقد هستند که چنین تمایز مفهومی می‌تواند در مطالعه حاکمیت بکار گرفته شود. آن‌ها با تدوین «چارچوب حاکمیت چندگانه»، مطالعه فرایند خط‌مشی را با مفهوم حاکمیت مرتبط می‌سازند. جنبه سلامت تصمیم‌گیری و رفتار در سال‌های اخیر اهمیت بیش‌تری پیدا کرده و به بدنه پراکنده‌ای از پژوهش‌های علمی و نظریه‌پردازی منجر شده است. انسان‌ها به‌طور بدیهی سالم بودن را بر هر چیزی در زندگی ترجیح می‌دهند. سلامت<sup>۶</sup> یک ویژگی یا کیفیت است که به

1. Governance
2. Kjaer
3. Governance Excellence
4. Stoker
5. Hill & Hupe
6. Integrity

تطبيق یافتن با هنجارها و ارزش‌های فرخویی مرتبط اشاره دارد (Huberts, 2014). ناگفته نماند، هر چند سلامت یک جنبه اساسی در حاکمیت مطلوب است، اما تنها جنبه آن نیست.

حاکمیت پایدار<sup>۱</sup> یکی دیگر از شاخص‌های نوین است که توسط کشورهای عضو OECD بکار گرفته می‌شود. این شاخص برای مقایسه حاکمیت بکار می‌رود و اصلاحات مورد نیاز در کشورها را از نظر استقرار حاکمیت پایدار تشخیص می‌دهد. حاکمیت پایدار بر مبنای سه محور ساخته می‌شود: ۱. عملکرد خط‌مشی؛ ۲. دموکراسی؛ و ۳. حاکمیت (Stiftung, 2010).

مطالعه حاکمیت با رویکرد اسلامی سهم قابل توجهی در ادبیات حاکمیتی به خود اختصاص داده است. نتیجه برخی از پژوهش‌های کیفی با تکیه بر متون اسلامی به شکل‌گیری مدل‌های جدیدی، مانند حاکمیت شایسته اسلامی، منجر شده است که انتظار می‌رود با انجام پژوهش‌های تکمیلی، کشورهای اسلامی بتوانند مدل مطلوب اسلامی را شناسایی کنند و مبنای تصمیم‌گیری خود در مسیر توسعه قرار دهند.

همان‌طور که کوتاه اشاره شد، پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه حاکمیتی با تمرکز بر سطوح، بازیگران، تعالی حاکمیتی، پایداری حاکمیت، و سلامت حاکمیت آغاز شده است. مسائل عمومی بسیاری در ایران با موضوع حاکمیت پیوند دارد و ضروری است پژوهش‌های دانشگاهی به صورت جهت‌دار بر حل این مسائل حاکمیتی هدایت شوند. همان‌طور که در خط‌مشی‌های ابلاغی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منعکس است، مسئله‌محور کردن پژوهش‌های دانشگاهی در حوزه حاکمیت یک ضرورت راهبردی است.

## منابع

### الف) انگلیسی

- Stiftung, B. (2010). *Sustainable Governance Indicators 2009: Policy Performance and Executive Capacity in the OECD*: Verlag Bertelsmann Stiftung.
- Hill, M., & Hupe, P. (2006). Analysing Policy Processes as Multiple Governance: Accountability in Social Policy. *Policy & Politics*, 34(3), 557-573.
- Huberts, L. (2014). *The Integrity of Governance: What It Is, What We Know, What Is Done and Where To Go*: Springer.
- Jones, C., Hesterly, W. S., & Borgatti, S. P. (1997). A General Theory of Network Governance: Exchange Conditions and Social Mechanisms. *Academy of Management Review*, 22(4), 911-945. <https://doi.org/10.5465/amr.1997.9711022109>
- Kjaer, A. M. (2004). *Governance*. Cambridge: Polity.
- Kiser, L, and Ostrom, E. (1982). The Three Worlds of Action: A Metatheoretical Synthesis of Institutional Approaches." In E. Ostrom, ed., *Strategies of Political Inquiry*, pp. 179-222. Beverly Hills, CA: Sage.
- Lyon, P. (2000). Partnership for Good Governance in the 21 th Century, *Australian Journal of Public Administration*, 59(3), 87-93.
- Koch, D. R., & Dixon, J. (2007). *Public Governance and Leadership*: Deutscher Universitäts-Verlag.
- Rosenau, J. N., & Czempel, E.-O. (2009). *Governance without Government*: Cambridge University Press.
- Stoker, G. (1998). Public-Private Partnerships and Urban Governance. In *Partnerships in Urban Governance* (pp. 34-51): Springer. [https://10.1007/978-1-349-14408-2\\_3](https://10.1007/978-1-349-14408-2_3)